



روز بین المللی منع خشونت بر اطفال



روز ۱۹ نوامبر منحصراً روز جهانی منع خشونت بر اطفال تعیین گردیده است که هدف اصلی باخبر ساختن و آگاهی همه ملل جهان به یک حقیقت تلخ و روز افزونیست که جوامع بشری مثل یک غده چرکین سرطانی به آن روبرو می باشند. در مورد خشونت بر اطفال که بصورت وسیع در ممالک مختلفه رو به تزاید است، قسمت مهمی را آزار جنسی بر اطفال دربر می گیرد که درین رابطه باید اولتر در حلقه فامیل و بعد به ساحة مملکت و بعد تر در حد وسعت جهانی بر علیه آن به مبارزه دایمی و وسیع پرداخت.

در سال ۲۰۰۱ میلادی در حدود ۱۵۰ یا مؤسسات غیر دولتی یا «ان جی او» ها از ۶۰ مملکت با هم یکجا شده و روزی را تعیین نمودند تا کمپاین مشترکی را برای مبارزه بر علیه انواع خشونت بر اطفال جهان آغاز نمایند و ملل مختلفه را از چنین خطر غیر انسانی آگاهی داده و دعوت به اقدامات جدی و قانونی در ساحات خودشان نمایند. در قسمت خشونت های جنسی بر اطفال، متأسفانه احصایه مشعر است که سالانه در حدود یک میلیون طفل در تجارت جنسی تبادل می گردند، طوریکه حتی مأمورین بین المللی که در دستگا های خیریه مصروفیت دارند، در چنین تجارت سخیفی گمراه گردیده و دست دارند.

آگاهی و به صدا در آوردن زنگ خطر در چنین معضله ای برای اطلاع عمومی، شاید که به تدریج جلو پیشرفت چنین فاجعه بشری را بگیرد.

در افغانستان جنگ زده ویران هر نوع خشونت بر اطفال روز افزون بوده و با موجودیت حالت جنگ، نا امنی، حکومت ضعیف، زور مندی مافیای گوناگون و جنگ سالاران مقتدر، قانون شکنی و عدم وجود عدالت و بازخواست، تراژیدی ای است بی انتها! از حلقه های فامیل که آغاز شود، مخصوصاً مظالم بر دخترکان خرد سال که به عنف به خانه مرد بیگانه سالمند به نام شوهر فرستاده می شوند، تا پسرکان کم سالی که برای هوی و هوس مردان از خدا بیخبر و وجدان باخته، به جبر و یا فقر والدین به آنها فروخته می شود، همه در چنین خندق رنج آوری با بی عدالتی و عدم بازخواست غرق می گردند. درین معضله البته حکومت با به رسمیت نشناختن «قانون منع خشونت بر زنان» را که حامد کرزی در سال



۲۰۰۹ تحت فرمان تقنینی مری الاجراء قرار داد، مقصر شناخته میشود چونکه این قانون نظر به متون مجوزة قانون اساسی در زمان رخصتی پارلمان رسمیت یافت و حتی با موجودیت یک بر سه اعضاء انات در ولسی جرگه، جنگ سالاران و عقب گرایان ذی نفع، از قبولی آن جلوگیری به عمل می آورند.

دختر خردسالی که در عکس مشاهده میگردد، گویا صرف

با پوشیدن لباس پر زرق و برق ابراز خوشحالی میکند، غافل از آنکه به نکاح غیر قانونی مرد کهنسالی در آمده و فرخته شده است که بزودی به دست یک فامیل بیگانه سپرده شده و از حلقه فامیل و مهر مادری ناپدید میگردد.

بی اعتنائی حکومت افغانستان در مورد مظالم بر اطفال انات آنقدر معمول است که اکثراً این بیچارگان با لت و کوب، شکنجه، کار شاقه و معیوب نمودن غیر انسانی در خانه شوهر از جانب او و فامیلش که عواقب خونینی دارد، در بیخبری اولیای امور جزئی از فراموش شدگان اجتماع بوده و هیچ عدالت و بازخواستی را در قفا ندارد.

ترافیک انسان فروشی و عرضه و تقاضا برای اطفال بینوای افغان که از همان کمپ های آوارگان بعد از تجاوز شوروی به کمک خائنین خلق و پرچم، در پشاور آغاز گردید، تا به حال به اشکال مختلفه دوام دارد که درین راه حتی دست قاچاقبران بین المللی نیز دخیل می باشد.

یکی از انواع خشونت بر اطفال که در ممالک کم انکشاف یافته به شمول افغانستان مروج است که دقیقاً زاده فقر شدید فامیل ها برای امرار معاش می باشد، همانا کار نمودن اطفال در سنین پایین و اشتغال به کار های جسمی شاقه غیر مجاز است. تصاویری که از شهر های مختلفه وطن در دسترس است، تعداد زیادی اطفال دختر و پسر را در حال گلکاری، موتر شویی، فروش امتعه ارزان در سرک ها، نجاری و کار های نهایت شاقه که از توان آن مظلومان بالاست، نشان میدهد. این رواج غیر انسانی هم بازخواستی برای حمایت ازین کارگران خردسال نداشته و اکثراً دست مزد ناچیز تکافوی مصارف شان را ننموده و با خطرات زیاد و معیوبیت اطفال مواجه میگردد.

پایان